غزلی منسوب به حافظ

شهسوارانی، حسین

در روزنامه‏ی اطلاعات مورخ پنجم‏ بهمن‏ماه 1383 و در صفحه‏ی 8«اطلاعات‏ ضمیمه»در ستون ویژه‏ی«فال امروز»این‏ غزل درج شده است.

ما برفتیم و تو دانیّ و دل غم‏خور ما بخت بد تا به کجا می‏برد آبشخور ما از نثار مژه چون زلف تو در بر گیرم‏ قاصدی کز تو سلامی برساند برِ ما به دعا آمده‏ام هم به دعا دست بر آر که وفا با تو قرین باد خدا یاوِر ما گر همه خلقِ جهان،بر من و تو حیف برند بِکِشد از همه عالم به سرم جمع شوند نتوان بُرد هوای تو برون از سرِ ما ملک آواره به هر سو،کندم می‏دانی!؟ رشک می‏آیدش از صحبتِ جان‏پرور ما تا ز وصف خجل است از ورقِ دفتر ما هرکه گوید که کجا رفت خدا را حافظ گو به زاری سفری کرد و برفت از برِ ما

با انس مختصری که از دیر زمان در حدّ فهم و درک نارسای خود با دیوان خواجه‏ی‏ بزرگوار شیراز داشته و دارم،این غزل به‏ نظرم ناآشنا آمد.به چند دیوان چاپ شده که‏ در دسترس بود،مراجعه شد،این غزل در هیچ‏کدام دیده نشد؛به این ترتیب:

1-دیوان دو استاد نامدار،محمد قزوینی‏ و دکتر قاسم غنی،چاپ کتاب‏فروشی زوار تهران،حاوی دوازده غزل با قافیه‏های‏ مختوم به حرف«الف».

2-حافظنامه‏ی استاد بهاء الدین‏ خرمشاهی،بخش اول،چاپ نهم،شامل‏ هفت غزل.

3-نسخه‏ی دیوان حافظ به اهتمام‏ استادان دکتر سید محمد رضا جلالی نائینی و دکتر نذیر احمد،براساس نسخه‏ی مورخ‏ 812-817 هجری و نسخه‏ی مورخ‏ ذی الحجه‏ی سال 824 هجری قمری،چاپ‏ و نشر مؤسسه‏ی انتشارات امیر کبیر،سال‏ 1362،تهران،شامل یازده غزل از همان‏ نوع.

4-غزل‏های خواجه حافظ شیرازی، از انتشارات سخن،با تصحیح و مقابله‏ی‏ دکتر پرویز خانلری،از روی قدیمی‏ترین‏ نسخه‏ی به دست آمده،تنظیم و چاپ‏ اسماعیل صارمی در چاپخانه‏ی محمد علی‏ علمی،سال 1337.در این دیوان فقط دو غزل مختوم به حرف«الف»در آن درج‏ است.

5-دیوان خواجه شمس الدین حافظ شیرازی با مقدمه‏ی اسماعیل خدابنده،چاپ‏ و انتشارات اقبال،چاپ هفتم،1371،شامل‏ دوازده غزل.

6-دیوان شمس الدین محمد حافظ با مقدمه و مقابله‏ی ادیب و شاعر نامدار علی اکبر کنی‏پور(مستی)به کوشش احمد کرمی،چاپ«ما»،1379،چاپ و صحافی‏ شرکت چاپ خواجه.شامل دوازده غزل با قافیه‏ی مختوم به حرف«الف»و آخرین.

7-دیوان حافظ با مقدمه‏ی عالمانه‏ی‏ محقق و ادیب جلیل القدر،استاد دکتر سید محمد رضا جلالی نائینی در 27 صفحه با خط استاد حسین خسروی،عضو د مدرس‏ انجمن خوش‏نویسان ایران،با تذهیب‏ محمد باقر آقامیری،چاپ همشهری،چاپ‏ چهارم از انتشارات اوسان،سال 1378،با دوازده غزل و آخرین آن‏ها:

ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما آب‏روی خوبی از چاه زنخدان شما

8-کتاب لطیفه‏ی غیبی«حاوی اشعار مشکله‏ی«حافظ»،تألیف محمد بن محمد الدارابی،از انتشارات کتابخانه‏ی احمدی‏ شیراز،علی اکبر نوری‏زاده،چاپ 1357 شمسی.در این کتاب که از بعضی غزل‏ها توضیح یک یا چند بیت اشعار مشکله درجه‏ گردیده،بیتی یا مصرعی از غزل درجه‏شده در روزنامه‏ی صمیمه‏ی اطلاعات به این‏ احتمال که در چشم‏انداز مؤلف آن کتاب قرار گرفته باشد،دیده نشد.

با این ترتیب چون در هریک از این‏ چند دیوان و کتاب و ملحقات و برگه‏های‏ پایانی آن‏ها چنین غزلی به نظر نرسید، محتمل است که غزل چاپ‏شده در برگ‏ هشتم ضمیمه‏ی روزنامه‏ی اطلاعات،از دیوان تازه چاپ و یا از نسخه‏ی کهن و قدیمی دیگری باشد و از حیث زمان مقدّم بر نسخه‏های فهرست‏شده‏ی مرقوم در فوق، چون به دست آمدن و یافت شدن نسخه‏یی‏ قدیم‏تر از نسخه‏های شناخته‏شده تا این‏ زمان دور از انتظار است و امکان دارد که در ایران یا کشور دیگری در گنجینه‏ها یا کتابخانه‏های شخصی و قدیمی باقی‏مانده از روزگاران کهن،نسخه‏یی که تاکنون‏ ناشناخته بوده،به دست آمده باشد و این غزل‏ از آن نسخه باشد که در آن صورت در تازه‏یی به روی حافظشناسان گشوده شده.

بسیاری از آثار گرانقدر بزرگان علم و دانش ایران،در رویدادهای ویرانگر طبیعی از قبیل سیل و زلزله و آتش‏سوزی و یا جنگ‏های خانمانسوز از میان رفته و ردّ پای‏ آن آثار فقط در تذکره‏ها و تألیفات و آثار معاصران آن‏ها و یا بعدی‏ها دیده می‏شود.از این نمونه است بخش مهم تاریخ بیهقی‏ که چند جلد نسخه‏ی اصلی و اولیه‏ی آن‏ دستخوش تاراج حوادث شده و مؤلف‏ بزرگوار آن کتاب در زمان حیات خود به‏ دوباره‏نویسی از آن پرداخته است.هم‏چنین‏ اشعار گوهرنشان رودکی،پدر شعر فارسی، به قولی«دوره صد هزار»بیت که بخش‏ اعظم آن از میان رفته و پاره‏یی از آثار او چون«بوی جوی مولیان»که همه‏جا ورد زبان است،به‏طور پراکنده در کتاب‏هایی از قبیل مجمع النوادر(چهار مقاله)نظامی‏ عروضی و کتاب‏های دیگر باقی مانده و چشم ادب و فرهنگ ایران در این امید و انتظار است که روزی و روزگاری ستاره‏ی‏ بخت و اقبال ایران بدرخشد و در گوشه‏یی از این دنیای پهناور و در یک گنجینه‏ی ادبی‏ ناشناخته‏یی،کلیله و دمنه‏ی منظوم و دیوان‏ اصلی و کامل رودکی پیدا شود و به دست‏ آید.و بعید و محال نیست که بخش دیگری‏ از دیوان حافظ،افزون از آن‏چه که محمد گلندام به گردآوری اشعار و تنظیم دیوان‏ حافظ پرداخته،در جایی نسخه‏یی تازه از دیوان یا پاره‏غزل‏هایی از آن یافت شود و احتمالا همین غزل درج‏شده‏ی ضمیمه‏ی‏ اطلاعات یکی از آن‏ها باشد که البته‏ توضیح هیأت ادبی روزنامه‏ی اطلاعات‏ درباره‏ی این غزل،خوانندگان و مشتاقان را سودمند خواهد بود و مایه‏ی تشکر و امتنان‏ است.

حافظ:در دیوان حافظ که به کوشش آقای‏ فضل اللّه دروش و با مقدمه‏ی فارسی و انگلیسی سردبیر چاپ شده است.این غزل‏ در صفحه‏ی 74 به عنوان«غزل منسوب به‏ حافظ»درجه شده؛و ما این غزل را از حافظ نمی‏دانیم.